

سقط جنین در پرتو حکم ثانوی، تبیین خطاهای مصداقی و نقد قانون سقط‌درمانی

دکتر حسین سیمایی صراف*

مقدمه

فقه اسلامی در طیف وسیع رهیافت‌هایی که بعضی به ممنوعیت مطلق و برخی به جواز مطلق اسقاط جنین تمایل دارند، راه میانه را برمی‌گزیند و مشروعیت سقط جنین را به طور محدود و مشروط مجاز تلقی می‌کند. ویژگی فقه اسلامی در این باب، طبقه‌بندی حکم سقط به دو وضعیت عادی و بحرانی و به تعبیر علمی دو حالت اولی و ثانوی است. به طوری که در حالت اولی، سقط جنین را مطلقاً ممنوع و در حالت ثانوی مجاز و مشروع می‌داند. آنچه این نوشتار - به‌رغم آثار ارزشمند موجود - در صدد تحقیق و بررسی آن است عمدتاً بر محور حکم ثانوی و همچنین تمییز قلمرو فتای مفتی از قلمرو تقلید عامی است. به بیان دیگر این نوشتار بر آن است که سهم مادر حامل در تعیین سرنوشت خود را به طرز روشنی بیان و آشکار کند که مداخله فقیهان در تعیین مصداق، تعدی به قلمرو مقلدان است؛ و لذا تحدید موارد مجاز اسقاط در قانون سقط‌درمانی به دو مورد - از جهت مصداقی - قابل نقد است. و از منظر حکمی به زعم برخی فقیهان، تحدید موارد سقط به مرحله قبل از ولوج

* عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

روح نیز، قابل نقد و نظر است. بر این اساس در نوشتار حاضر پس از بیان حکم اولی سقط (گفتار اول)، حکم ثانوی آن (گفتار دوم) بیان می‌شود. سپس عمده ادله سقط (گفتار سوم) طرح و بررسی می‌گردد و در پایان (گفتار چهارم) پس از کاوشی نظری درباره دامنه افتاء و تقلید، به سهم مادر حامل در تعیین و تشخیص موارد قابل سقط می‌پردازیم. در جای جای این نوشتار، قانون سقط‌درمانی نیز مورد نقد و نظر قرار می‌گیرد.

گفتار اول: اسقاط جنین به عنوان حکم اولی

به گمان قریب به اتفاق فقیهان، اسقاط جنین بر حسب حکم اولی مطلقاً حرام است - خواه روح در وی دمیده شده یا نشده باشد. از جمله دلایل حرمت عبارت‌اند از: آیاتی از قرآن کریم که قتل نفس را حرام می‌دانند. مانند آیه ۱۵۱ از سوره انعام که می‌فرماید: *ولا تقتلوا النفس الّتی حرّم الله الّا بالحقّ*. در سنت نیز روایات حاکی از حرمت چندان فراوان‌اند که برخی ادعای تواتر یا نزدیک به آن را نموده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ص ۲۸۶). فرمان عقل، دلیل دیگری است که گاه در تأیید حرمت اسقاط، ادعا شده است (همان‌جا).

اما برخی دیگر، از حرمت مطلق سقط جنین انتقاد کرده و دست کم یک مورد را تخصیصاً - و نه تخصیصاً - از شمول ادله حرمت بیرون دانسته‌اند. به زعم اینان اسقاط نطفه قبل از انعقاد، مطلقاً - حتی بدون بروز عنوان ثانوی - جایز است. استدلال ایشان، اصل اباحه و فقدان دلیل خاص بر حرمت اسقاط می‌باشد (نجفی، ۱۴۰۴، ۱۱۵/۲۹). حتی گفته شده است که عنوان اسقاط نطفه بر سقط نطفه صدق نمی‌کند. زیرا اسپرم مرد هنگامی موجب تکوین انسان می‌شود که با تخمک زن ترکیب شود و قبل از این ترکیب، در واقع هنوز نطفه انعقاد نیافته است. از همین رو، زن می‌تواند با نوشیدن دارو از انعقاد نطفه جلوگیری کند یا پیش از انعقاد، آن را از رحم خود بیرون بریزد.^۱

۱. شکی نیست که اسقاط نطفه در همین فرض اگر به وسیله ثالث و بدون رضایت مادر صورت گیرد مصداق ظلم و جنایت بوده و در نتیجه حرام است (ر.ک.: حرّعاملی، ۱۴۰۹، باب ۷ از ابواب قصاص نفس؛ قاننی، ۱۳۸۶، ص ۳۹۳).